



دانشکده علوم انسانی

گروه زبان شناسی و زبانهای خارجی

پایان نامه:

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته آموزش زبان فارسی

بررسی مولفه های هویت ملی در اشعار عصر مشروطیت

استاد راهنما

جناب آقای دکتر بهمن زندی

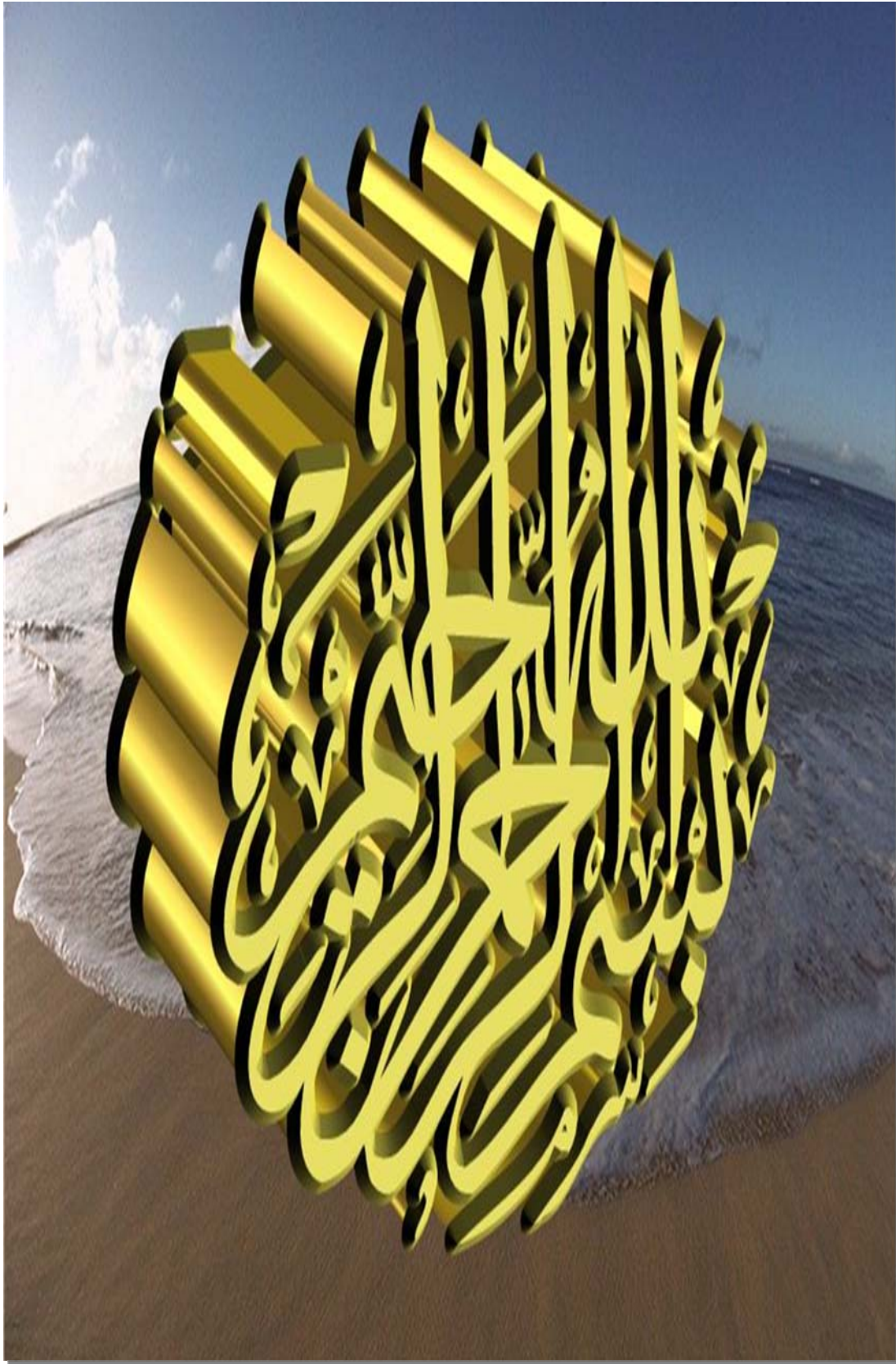
استاد مشاور

سرکار خانم دکتر نگار داوری اردکانی

مؤلف

داود باوفا

شهریور ۱۳۸۸



تقدیر

تا حکیم قفل حکمت نگشاید و دل به قلاب معرفت نرباید، سطور چون رد ستور ند و تکالیف برگ عبور. آن فرزانه را به مدد خواستیم و صفحه آراستیم تانه گزافه در پای کسی نوشته باشیم و نه خرافه در جای کسی.

درود بهر لیاقت سروده ایم و سلام نزد صداقت سرداده ایم و از بسیار کسان خبر داده ایم باشد که بر ما حلال گرفته باشند.

اکنون این نوشته راست آمده است بهتر که راست گفته باشیم.

درستی و راستی این نوشتار از کسانی است که از آنها وام گرفته ام و همه کاستی آن از جانب نگارنده.

بر خود وظیفه می دانم از استاد راهنمای بزرگوام جناب آقای دکتر بهمن زندی به پاس را هنمائیهای ارزنده و روشنگریهای بدیع قدردانی نمایم. از استاد مشاور محترم؛ سرکار خانم دکتر نگار داوری اردکانی؛ به سبب ارائه نقطه نظرات ارزشمند و راهگشای این نوشته سپاسگزارم؛ همچنین از داور ارجمند این پروژه جناب آقای دکتر سمائی که با سعه صدر و دقت نظر خود کاستی های طرح را یادآور شدند تشکر می نمایم. و در پایان از کلیه دوستان و آشنایانی که به هر طریقی مرا درتدوین این پژوهش یاری نمودند صمیمانه ترین مراتب قدردانی؛ امتنان و تشکر خویش را ابراز می نمایم.

خشت من خام است و سنگم آهنین سازم از عقل و دنیا و دین

پا بگیرد یا نگیرد این منار منتظر باید شدن تار

تقدیم به :

مادر و پدرم :

که موفقیت امروز را مرهون مهربانی و راهنمایی آنهاست. آنان که وجودم برایشان همه رنج بود و وجودشان برایم همه مهر، توانشان رفت تا به توانی برسم. موهایشان سپید گشت تا رویم سپید بماند. آنان که فروغ نگاهشان، گرمی کلامشان و روشنی رویشان، سرمایه های جاودانی زندگی من است. آنان که راستی قامت در شکستگی قامتشان تجلی یافت. در برابر وجود گرامیشان زانوی ادب بر زمین می نهیم و با دلی مملو از عشق و محبت و خضوع بر دستانشان بوسه می زنم.

همسر مهربانم :

که صبر و از خود گذشتگی اش مایه آرامش خاطر و هموارکننده راهم بود.

سرو وجودشان همواره استوار باد.

فهرست مطالب

فصل اول

۱.....	مقدمه.....
۲.....	تعریف مسأله واهمیت موضوع.....
۲.....	سابقه و ضرورت انجام تحقیق.....
۳.....	مفاهیم کلیدی.....
۳.....	هویت.....
۳.....	ملت و ملی.....
۴.....	هویت ملی.....
۴.....	مولفه های هویت ملی.....
۵.....	تاریخ.....
۵.....	زبان.....
۶.....	دین.....
۸.....	فرهنگ.....
۹.....	سیاست.....
۹.....	جغرافیا ومکانها.....
۱۰.....	شعر و ادب مشروطه.....
۱۰.....	عصر مشروطیت.....
۱۱.....	سوالهای تحقیق.....
۱۱.....	فرضیه ها.....
۱۱.....	هدفها.....
۱۱.....	روش انجام تحقیق.....
۱۲.....	جامعه آماری و واحد نمونه.....
۱۲.....	روش نمونه گیری وتعداد نمونه.....
۱۲.....	روش و ابزار گردآوری اطلاعات.....
۱۲.....	روش تجزیه و تحلیل اطلاعات.....

فصل دوم

۱۳.....	پیشینه و مبانی نظری.....
۱۴.....	شناخت اصطلاح هویت.....
۱۶.....	شکل گیری هویت یا هویت یابی.....

۱۷	فضای مفهومی هویت
۱۸	بحران هویت
۲۰	انواع هویت
۲۰	هویت فردی
۲۱	هویت جمعی، (هویت گروهی)
۲۱	هویت ملی
۲۴	مفاهیم ملت (ملی)
۲۵	ابعاد هویت ملی
۲۵	بعد اجتماعی
۲۶	بعد تاریخی
۲۶	بعد جغرافیایی
۲۷	بعد سیاسی
۲۷	بعد دینی
۲۸	بعد فرهنگی
۳۰	بعد زبانی و ادبی
۳۱	هویت ملی از بعد روانشناختی
۳۲	اریکسون
۳۳	مارسیا
۳۳	گلاسر
۳۴	هویت ملی از بعد جامعه شناختی
۳۴	هویت ملی در ایران از دیدگاه جامعه شناختی
۳۶	چشم انداز هویت ملی در ایران
۳۸	ضرورت شناخت هویت ملی در ایران
۳۹	مولفه های هویت ملی
۴۰	مولفه های هویت ملی در ایران
۴۱	نمادهای هویت ملی
۴۲	تاریخچه عصر مشروطیت
۴۲	علل انقلاب مشروطیت
۴۳	زمینه های انقلاب مشروطیت
۴۳	مهاجرت به حرم عبدالعظیم در مشروطه
۴۴	آزادی علما از دست عین الدوله
۴۴	تحصن در سفارت انگلیس در مشروطه
۴۴	اولین واکنش دولت به درخواست های تحصن کنندگان به سفارت انگلیس
۴۵	گسترش انقلاب مشروطه
۴۵	اعطای فرمان مشروطیت

۴۵.....	مشروطه.....
۴۶.....	اهداف مشروطه طلبان.....
۴۶.....	تدارک نظامنامه انتخابات بعد از مشروطه.....
۴۶.....	افتتاح مجلس شورای ملی ایران.....
۴۷.....	قانون اساسی اول مشروطه.....
۴۷.....	نقش روشنفکران در مشروطه.....
۴۸.....	نقش روحانیت در مشروطه.....
۴۸.....	مشروطه و محمد علی شاه.....
۴۹.....	استقرار مشروطه و احمد شاه.....
۴۹.....	وضعیت مردم در زمان مشروطه.....
۵۰.....	هویت ایرانی در آستانه مشروطه.....
۵۱.....	ادبیات آئینه تمام نمای اجتماع.....
۵۱.....	ادبیات چیست؟.....
۵۲.....	رسالت ادبیات.....
۵۳.....	خاستگاه شعروادب در عصر مشروطه.....
۵۵.....	مسایل شعر مشروطه.....
۵۵.....	تحول واژگان و اصطلاحات در شعر مشروطه.....
۵۶.....	معرفی شاعران برجسته مشروطه.....
۵۶.....	ملک الشعراء بهار.....
۵۸.....	عارف قزوینی.....
۵۹.....	میرزاده عشقی.....
۶۰.....	فرخی یزدی.....
۶۱.....	ایرج میرزا.....
۶۲.....	ادیب الممالک فراهانی.....
۶۳.....	گزیده اشعار.....
۶۶.....	پیشینه های پژوهش.....
۶۶.....	مروری بر پیشینه های داخلی.....
۶۶.....	پایان نامه ها.....
۷۰.....	مقاله.....
۷۳.....	کتاب.....
۷۶.....	مروری بر پیشینه های خارجی.....

فصل سوم

۸۰.....	روش شناسی پژوهش.....
۸۰.....	روش تحلیل محتوا در پژوهش.....
۸۰.....	ویژگی های شخصیت های نامبرده در متن (پیام).....
۸۰.....	پیشینه پیام.....

۸۱ اثرهای پیام بر مخاطبان
۸۱ مراحل مختلف تحلیل محتوا در پژوهش
۸۱ مرحله آماده سازی و سازمان دهی
۸۱ بررسی مواد (پیام)
۸۱ انتخاب واحدها (واحد ثبت)
۸۲ چگونگی شمارش
۸۲ مقوله بندی کردن
۸۲ پردازش داده ها
۸۲ ابزار جمع آوری اطلاعات
۸۳ واحد نمونه گیری و جامعه مورد پژوهش
۸۴ روش اندازه گیری داده ها
۸۴ فرمولهای مورد استفاده در اندازه گیری، تحلیل و تفسیر نتایج داده های پژوهش
۸۴ توزیع فراوانی
۸۴ درصد فراوانی
۸۴ میانگین
۸۴ انحراف معیار
۸۵ واریانس
۸۵ آزمون کای مربع
۸۵ آزمون توکی

فصل چهارم

۸۶ بررسی و تحلیل نتایج بدست آمده از مولفه های هویت ملی در اشعار عصر مشروطیت
۸۶ سوالهای تحقیق
۸۶ فرضیه ها
۸۷ چک لیست های تحقیق
۱۰۶ چک لیست ۱
۱۰۷ چک لیست ۲
۱۰۷ آمار استنباطی پژوهش
۱۰۷ تحلیل داده ها
۱۰۷ نمودار ستونی
۱۰۸ گراف آنالیز
۱۰۹ آزمون کای مربع
۱۱۱ گراف آنالیز واریانس دوطرفه
۱۱۲ آزمون توکی
۱۱۵ آمار توصیفی پژوهش
۱۱۵ نتایج مقایسه میزان توجه شعرای عصر مشروطه به مولفه های هویت ملی
۱۱۵ مقایسه بین شعرا از نظر میزان توجه به هریک از مولفه ها
۱۱۹ مقایسه بین مولفه های بکاررفته در دیوان هر شاعر

فصل پنجم

۱۲۲	بحث و چشم انداز پژوهش.....
۱۲۲	ملی گرایی
۱۲۲	از خود بیگانگی.....
۱۲۳	یافته های پژوهشهای پیشین.....
۱۲۳	شعر و ادب دوره مشروطیت.....
۱۲۴	نتایج بدست آمده از سنجش مولفه های هویت ملی به کار رفته در اشعار شعرای مشروطیت.....
۱۲۴	مولفه تاریخ
۱۲۴	مولفه زبان.....
۱۲۴	مولفه دین.....
۱۲۵	مولفه فرهنگ.....
۱۲۵	مولفه سیاست.....
۱۲۵	مولفه جغرافیا و مکانها.....
۱۲۵	نتایج بدست آمده از سنجش نگرش شعرای عصر مشروطیت نسبت به مولفه های هویت ملی.....
۱۲۵	فرخی یزدی.....
۱۲۶	ملک الشعرای بهار.....
۱۲۶	عارف قزوینی.....
۱۲۶	میرزاده عشقی.....
۱۲۶	ایرج میرزا.....
۱۲۶	ادیب الممالک فراهانی.....
۱۲۶	نتیجه گیری.....
۱۲۸	محدودیت های پژوهش.....
۱۲۸	ارائه پیشنهادها.....
۱۳۰	منابع و ماخذ.....
۱۳۱	ضمائم.....

چکیده

مطالعه حاضر به بررسی مولفه های هویت ملی در اشعار سروده شده در عصر مشروطه ایران پرداخته است تا بتواند وضعیت کلی و محتوای ذهنی برخی شاعران آن دوران را توصیف کند و میزان توجه شاعران مشروطه را به هویت ملی - ایرانی مورد ارزیابی قرار دهد. بی تردید شاعران هر دوره تا حدودی زبان حال مردم زمان خود را در اشعارشان می سرایند و از آنجا که افکار و عقاید شعرای هر عصری در مضامین و محتوای شعری شان نهفته است و اشعار آنها بر افکار عمومی مردم تأثیر گذارند، شش شاعر عصر مشروطه (فرخی یزدی، میرزاده عشقی، ملک الشعرای بهار، ایرج میرزا، عارف قزوینی و ادیب الممالک فراهانی)، که از مشهورترین شعرای دوره مشروطه می باشند، انتخاب شدند. همچنین از بین مولفه های مختلف هویت ملی شش مولفه هویت ملی که برخی محققان و پژوهشگران بر آنها اجماع دارند و تقریباً اکثر ممالک دنیا مشترک می باشند، برگزیده شدند که عبارتند از: (تاریخ، سیاست، دین، فرهنگ، زبان و جغرافیا و مکانها) که هر مولفه به ریزمولفه هایی تقسیم شدند و کلمات مرتبط با این مفاهیم به صورت بانک لغات هویت ملی تهیه شد و در دیوان شعرای مذکور به جستجوی کلمات هویت ملی بکار رفته شده در آنها پرداخته شد. نتایج به صورت جداول و نمودار با روشهای آماری خاص پژوهش (استنباطی و توصیفی) گردآوری و مصور شده است، با توجه به مطالعه بیش از هفده هزار بیت از اشعار شعرای مذکور نتایجی که از پژوهش حاضر بدست آمده است در پاسخ به **سوالات** پژوهش شامل: ۱- مهمترین مولفه هویت ملی مورد توجه شاعران عصر مشروطه کدام است؟ ۲- کدام شاعر عصر مشروطیت، بیشترین توجه را به عناصر هویت ملی نموده است؟ ۳- بیشترین و کمترین مولفه های هویت ملی در دیوان اشعار کدام یک از شاعران دوران مشروطیت به چشم می خورد؟

نتایج نشان می دهد که برخی از شعرای مورد پژوهش، نگرش مثبتی به بعضی از مولفه های هویت ملی داشته اند. این در حالی است که برخی مولفه های هویت ملی مانند: سیاست، تاریخ، فرهنگ، دین، جغرافیا و مکانها به نسبتهای متفاوت در دیوان شعرای مذکور، بیشتر از مولفه زبان بکاررفته اند. بیشترین مولفه مشاهده شده در اشعار مورد پژوهش، مولفه سیاست می باشد و کمترین مولفه هویت ملی، مولفه زبان می باشد. از این میان ملک الشعرای بهار بیشترین توجه را به مولفه های هویت ملی، از جمله سیاست و تاریخ، داشته است و ایرج میرزا کمترین توجه را به مولفه های هویت ملی اختصاص داده است. به نظرمی رسد طبق نتایج بدست آمده از داده های آماری پژوهش، می توان به اطلاعات استخراج شده از اشعار شعرای مذکور اعتماد کرد و فرضیات پژوهش را اثبات نمود. در نهایت می توان این نتیجه کلی را اذعان نمود که همه شعرای این دوره به مولفه سیاست بیشترین توجه را نسبت به سایر مولفه های هویت ملی داشته اند. پس می توان گفت که بیشترین محتوای ذهنی و فکری مردم در عصر مشروطه را سیاست و مسائل مربوط به آن تشکیل داده و در نهایت نتایج نشان می دهد که مردم با مسائل سیاسی زمان درگیر بوده و به سرنوشت سیاسی خود حساس بوده اند. و شعرا در القای این مولفه در میان مردم بیشترین تأثیر را داشته اند.

کلمات کلیدی: هویت - ملی - هویت ملی - مولفه های هویت ملی، شعر و ادب مشروطه، عصر مشروطیت

فصل اول

کلیات

و

طرح مسأله

۱. مقدمه

تحقیق حاضر به بررسی مولفه های هویت ملی در اشعار دوران مشروطیت پرداخته و در نوع خود یکی از جدیدترین پژوهش‌های حال حاضر در این زمینه می باشد. در این فصل رئوس کلی و چهارچوب اصلی پژوهش بیان خواهد شد. ابتدا اهمیت پژوهش و مولفه های هویت ملی توضیح داده می شود، سابقه و ضرورت پژوهش، سوالات، فرضیات، اهداف، جامعه آماری، ابزار گردآوری اطلاعات، کاربردهای پژوهش و به روش انجام تحقیق مختصراً اشاره می شود.

پرسش هویت از بنیادی‌ترین پرسش‌ها در حیات فردی و جمعی نوعی انسانی بوده و هست. افراد و اجتماعات، با پرسش از هویت، از سطوح خرد تا کلان، تصویری از آنچه هستند یا آنچه تصور می‌کنند که باید باشند، ارائه می‌دهند. اهمیت این تصویر که نتیجه فرآیند پیچیده هویت‌یابی و هویت‌شناسی است، در این است که در سطح فردی هویت نقطه آغازین ورود به دنیای اجتماعی و در سطح جمعی نقطه محوری بقا، تداوم و بالندگی در میان دیگر اجتماعات است. هویت بازنمایی ویژگی‌ها، امتیازات، کاستی‌ها، توانایی‌ها و وجوه تمایز از دیگران است.

اما نه افراد و نه اجتماعات حیثیت‌های بسیط و تغییرناپذیری نیستند. بنابراین هویت‌ها نیز همواره در حال شدن و تغییرند و این تغییر، امروزه بیشتر از هر زمان دیگر و در ابعادی گسترده‌تر در حال وقوع است. البته عوامل این تغییر متنوع‌اند، نوآوری‌ها و پیشرفت‌های شگرف و فناوری‌های مختلف، از جمله فناوری اطلاعات، سرعت گرفتن فرایندهایی چون شهری شدن و در سطحی بزرگتر، جهانی شدن، در تغییر این هویت‌ها مؤثرند.

پیامد چنین فرایندهایی این است که امروزه بیش از هر زمان دیگری ضرورت آگاهی از ابعاد هویتی «خود» در تمایز با «دیگران»، چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی و به خصوص در نوع ملی آن احساس می‌شود و جامعه امروز ایران نیز از این فرایند به دور نیست. هویت‌یابی در عصری که در آن هویت‌های مختلف با هم در تبادلی و گاه تعارض قرار می‌گیرند. از اهمیتی اساسی برخوردار است.

کلمه «هویت» از نظر لغوی به معنی «هستی، وجود، ماهیت و سرشت» است و ریشه لغوی آن از واژه «هو» گرفته شده که اشاره به غایت، نهایت و کمال مطلق دارد و موجب شناسایی و تمایز فرد از دیگری می‌شود. این واژه که در اصطلاح علمی به معنای «چیستی‌شناسی» یا «کیستی‌شناسی» است، در روان‌شناسی برای اولین بار توسط اریکسون برای بیان مرحله‌ای از تحول جسمی و شخصیتی انسان، که به هویت فردی معنا شده است، به کار برده شد. ولی بعدها بتدریج وارد سایر حوزه‌های علوم انسانی گردید (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۷).

۲-۱. تعریف مسأله و اهمیت موضوع:

بحث پیرامون مولفه های هویت ملی از دیرباز مورد علاقه پژوهشگران و جامعه شناسان بوده است. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد مولفه های هویت ملی در ادوار مختلف تاریخ این سرزمین و کشورهای جهان متفاوت و در حال تغییر و واضح‌الحال بوده و بعضاً برخی از مولفه های هویت ملی اهمیت چشمگیری داشته است. این تغییر، امروزه بیشتر از هر زمان دیگر و در ابعادی گسترده‌تر در حال وقوع است. البته عوامل این تغییر متنوع‌اند، نوآوری‌ها و پیشرفت‌های شگرف و فناوری‌های مختلف، از جمله فناوری اطلاعات، سرعت گرفتن فرایندهایی چون شهری شدن و در سطحی بزرگتر، جهانی شدن، در تغییر این هویت‌ها مؤثرند.

بی تردید این چالش‌ها با رویکرد هویت ملی در اشعار شاعران دوره مشروطیت بیشتر به چشم می‌خورد، زیرا در عصر مشروطه مولفه های هویت ملی رنگ و بوی تازه‌ای گرفته و نسبت به دوران قبل از انقلاب مشروطه قوام بیشتری داشته است. برای تحلیل و جستجوی مولفه های هویت ملی، زبان شعر شاعران این دوره گزینه مناسبی می باشد، چرا که بیان افکار، عقاید و بطور کلی زبان حال مردم در هر عصری تقریباً در شعر شاعران همان زمان باز نمود داشته است. هر چند زبان شعر شاعران این دوره به زبان کوچه بازار آمیخته بوده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۱۲۶) و برای تبیین رگه های مولفه های هویت ملی در چارچوب فکری مردم دوران مشروطیت نقش موثری داشته است. چه بسا قوام نمادهای هویت

ملی در عصر مشروطیت به میزان قابل ملاحظه ای توانسته زمینه ساز برپایی برخی قیامها و حتی سقوط سلطنت شاهنشاهی بعد از مشروطه شود. این تحقیق به جستجوی مولفه های هویت ملی در اشعار شاعران برجسته دوران مشروطیت و همچنین به سنجش میزان توجه شاعران این دوره در رابطه با مولفه های مورد پژوهش خواهد پرداخت. از جمله مهمترین شعرای مورد پژوهش در دوران مشروطیت، عبارتند از:

"(فرخی یزدی، میرزاده عشقی، ملک الشعرای بهار، ایرج میرزا، عارف قزوینی و ادیب الممالک فراهانی)."

۳- ۱. سابقه و ضرورت انجام تحقیق:

تاکنون راجع به مولفه های مختلف هویت ملی، قومی و به طور کلی هویت ملی تعاریف و پژوهشهایی صورت گرفته که مختصراً به آنها اشاره میگردد:

حاجیان (۱۳۸۴) با مطالعه مسائل هویت ملی پیشنهاد می کند که باید اطلاعات در سطح ملی جمع آوری شود، نگرش و دیدگاه های شهروندان در سطوح و طبقات، گروه های قومی و خرده فرهنگ های منطقه ای نیز جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و مطالعه تجربی هویت ملی به شاخص ها و مولفه های هویت قومی و نیز مناطق فرهنگی توجه شود. حاجیان به تحلیل جامعه شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه پرداخته و ابعاد هفتگانه هویت ملی را اجتماعی تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی، زبانی و ادبی می داند. فرض اساسی او این است هویت ملی مسلط در ایران شکل گرفته است اما با چالشها، آسیبها و مسائلی مواجه است.

ابراهیم (۱۳۸۲) با مطالعه پارادایمی نو در هویت ملی با تاکید بر پراکنش فضایی اقلیت ها در ایران، با گسستگی مولفه های زبان، فرهنگ و آداب رسوم اجتماعی، نژاد بین اقلیتهای فضایی و مناطق مرکزی باعث سستی هویت ملی می شود و برای تقویت هویت ملی بنا نهادن هویت ملی را بر جغرافیای ایران پیشنهاد می کند و انجام مطالعات جامع در زمینه اقوام را پیشنهاد می کند (داوری اردکانی، ۱۳۸۴).

اوکز (۲۰۰۱) با مطالعه و تحقیق در زمینه زبان و هویت ملی در فرانسه و سوئد پیشنهاد می کند این تحقیق در دیگر کشورها و در رده های سنی مختلف نیز انجام شود که در آن به تاثیر دیگر متغیرهای مستقل مانند جنسیت، محل زندگی و زمینه نژادی نیز توجه شود. (داوری اردکانی، ۱۳۸۴)

محمدی (۱۳۷۹) با مطالعه پارامترهای هویت فرهنگی دانش آموزان شهرستان مریوان در سه لایه هویتی که یکی از مولفه های سنجش هویت ملی زبان فارسی و هویت قومی زبان است به این نتیجه رسیده هویت غالب در گروه مورد بررسی هویت قومی است، هویت مدرن به تدریج در آینده تقویت خواهد شد و هویت ملی و مذهبی تضعیف می شود (حبیب زاده، ۱۳۸۲: ۹۸).

هویت ملی فراگیرترین و بالاترین سطح هویت جمعی است و بخصوص بعد از شکل گیری دولت مدرن و واحدهای مستقل سیاسی به نام کشور اهمیتی مضاعف یافته است. هویت ملی شکل بنیادی هویت است که نه تنها مبنای دیگر هویتهاست و ما را از سایر هویت ها مطلع می سازد. بلکه در صورت بروز تضاد در بین سطوح مختلف هویت، بر تمامی آنها تقدم می یابد. در هویت ملی، تشبیت موقعیت یک ملت یا خود ملی در مقابل غیر ملی یا خارجی مطرح می شود بر این اساس می توان گفت هویت ملی نوعی پایبندی، دلبستگی و تعهد به اجتماع ملی است. به عبارت دیگر هویت ملی تعلق فرد را به جامعه ملی یا دولت-ملت مشخص می کند. به زعم مارتین بارت (احمدی، ۱۳۸۶: ۵۴) هویت ملی از مجموعه شناخت و باور راجع به گروه ملی و مجموعه عواطف و احساسات و ارزیابی ها در مورد گروه ملی تشکیل می شود. میلر و همکاران ساختار اعتقادی، میراث ملی، همگنی فرهنگی و قوم محوری را چهار بعد می دانند. آنتونی اسمیت هویت ملی را احساسات و ارزیابی های ذهنی هر جمعیتی تعریف می کند که تجربیات مشترک و ویژگیهای فرهنگی یکسان مانند رسومات، زبان و

مذهب دارند و آن را در برگزیده چند بعد می داند: سرزمین تاریخی یا وطن افسانه ها ، اساطیر و یادگارهای تاریخی ، فرهنگ عمومی مشترک ، حقوق و وظایف قانونی مشترک برای اعضا و بالاخره اقتصاد مشترک. (همان: ۵۴)

به زعم اسمیت افرادی که در برخی یا همه این ابعاد سهیم اند هویت ملی را تشکیل می دهند. توسلی و همکاران بر اساس نتایج تحلیل عامل پرسش نامه هویت ملی سه بعد تعلق خاطر مشترک، وفاداری مشترک و میراث مشترک را برای این مفهوم در نظر می گیرند از دیگر ویژگی های اساسی هویت ملی این است که همانند دیگر سطوح هویت ایستایی ندارد و دایم در حال تغییر و پویایی است. همین امر باعث می شود با تغییر شرایط زمانی و مکانی و وقوع برخی حوادث مهم تاریخی، سیاسی و اجتماعی تصورات مردم در خصوص آن تغییر یابد و در نتیجه تضعیف یا تقویت گردد (احمدی، ۱۳۸۶: ۵۶).

عالی ترین سطح هویت را هویت ملی توصیف کرده اند در حقیقت وابستگی و تعلق یک فرد به یک جامعه ملی را نشان می دهد. این تعلق را می توان در احساس وفاداری به میهن، عشق به هموطنان و حراست از هویت ملی دانست که مانع از سلطه دیگران به سرزمین خود می شود و پیشرفت علمی، ادبی، صنعتی و تقویت مبانی فرهنگی می انجامد. وجود هویت ملی به عنوان میراث مشترک انسانی، عاملی است برای همبستگی افراد یک سرزمین و آن را در برابر بیگانگان تسلیم ناپذیر می سازد هویت ملی یک جامعه زمانی شکل می گیرد که تصور اجتماعی و ملی از خود، در تک تک افراد آن جامعه به صورت شخصیت پایه متجلی شود، به نحوی که در همه افراد جامعه قابل رویت باشد (ربانی، ۱۳۸۱: ۵۷).

۴-۱. مفاهیم کلیدی:

هویت ملی، هویت ملی، مولفه های هویت ملی، شعر و ادب مشروطه ، عصر مشروطیت

۴-۱-۱. هویت

کلمه «هویت» از نظر لغوی به معنی «هستی، وجود، ماهیت و سرشت» است و ریشه لغوی آن از واژه «هو» گرفته شده که اشاره به غایت، نهایت و کمال مطلق دارد و موجب شناسایی و تمایز فرد از دیگری می شود. این واژه که در اصطلاح علمی به معنای «چیستی شناسی» یا «کیستی شناسی» است، در روان شناسی برای اولین بار توسط اریکسون برای بیان مرحله ای از تحول جسمی و شخصیتی انسان، که به هویت فردی معنا شده است، به کار برده شد. ولی بعدها بتدریج وارد سایر حوزه های علوم انسانی گردید.

هویت نوعی نمادسازی یا به عبارتی پدیده ای فرهنگی است که افراد، گروه ها اقوام یا مکان ها برای احراز موجودیت خود و تمایز از دیگران اتخاذ می نمایند. یکی از رایج ترین شیوه های تعیین هویت همانا گزینش نام و نامگذاری است به طوریکه هیچ فرد، گروه ، قوم یا مملکتی بدون نام یافت نمی شود (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۵).

هویت فرد مجموعه ای انفکاک ناپذیر از روابط مادی و معنوی است و هویت ملی هر فرد هم به صورت بخشی از کل هویت اش در رابطه با جامعه ای که بدان تعلق دارد و یا احساس می کند که تعلق دارد، شکل می گیرد (رواسانی، ۱۳۸۱: ۹).

۴-۲. ملت^۱ و ملی

اوایل قرن بیستم و در جریان نهضت مشروطه، لغت ملت به علت رشد سرمایه داری و نفوذ افکار و نظریات سیاسی و فرهنگی از کشورهای اروپایی به ایران، وارد محاورات و مطبوعات سیاسی شد. طبقه سرمایه دار (به طور عمده تجاری) که چنان که می دانیم مفهوم ملت که یک مفهوم سیاسی است، به اشکال مختلف تعریف شده است. عده ای از نظریه پردازان ملت را گروهی از انسان ها می دانند که در یک قلمرو و سرزمین مشترک زندگی کرده، دولت و سازمان سیاسی مشترکی دارند. در این صورت با تغییر مرزهای سیاسی و نظامی یک ملت می تواند به ملل مختلف تجزیه شود و یا ملت های دیگری را به خود منضم و در خود مستحیل کند. چنین تعریفی با تعریف ملت از نظر تاریخی و فرهنگی در تضاد قرار می گیرد و تنها یک تعریف سیاسی، اقتصادی محسوب می شود. گروهی دیگر وحدت زبان، ادبیات، مذهب و یا گذشته تاریخی

¹ - Nation

مشترک را معیاری برای تعریف ملت می‌دانند و اگر یک گذشته تاریخی روشن و مستندی وجود نداشته باشد برای تایید نظریه خود، برای مردمی که در یک واحد سیاسی - اداری به سر می‌برند، گذشته‌ای تاریخی می‌سازند و می‌تراشند. چنین تعریفی با واقعیات سیاسی و نظامی یعنی وجود کشورهای مختلف سازگار نیست. چه بسیار ملت‌هایی که با وجود زبان، مذهب و گذشته تاریخی مستند و مشترک در واحدهای سیاسی، اداری، نظامی، (دولت یا کشورها) کاملاً جدا از یکدیگر، تحت قوانین و نظام‌های مختلف به سر می‌برند.

در انقلاب مشروطیت، ملت به معنای جدید آن، یعنی اجتماعی که از حق حاکمیت در معنای سیاسی آن برخوردار است، پدیدار شد. می‌دانیم که واژه و مفهوم ملت که مفاهیم ملی و ملی‌گرایی از آن ناشی می‌شود چگونه متأثر از نظریات سیاسی، و در بسیاری موارد خواست‌های طبقاتی، به طور کاملاً متفاوتی تعریف می‌شود و هر محفل سیاسی، اقتصادی تعریف مناسب خود را صحیح و کامل می‌داند (رواسانی، ۱۳۸۵: ۸).

۳-۴-۱. هویت ملی

هویت ملی پدیده ایست که به ۲۰۰ سال اخیر مربوط می‌شود. سرزمین مشترک، منافع مشترک، حقوق و دولت مشترک و یک حس روان شناسی فردی و جمعی از عناصر هویت ملی است. همان عنصری که هویت ایرانی، یعنی دین و زبان مشترک را تشکیل داده است، مقدمه‌ای برای هویت ملی ایران شده است. در ایران هویت ملی نیز سابقه‌ای بیش از ۲۰۰ سال دارد و در دوران‌هایی مانند صفویه در ایران نوعی ناسیونالیسم وجود داشته است. به همین دلیل میهن دوستی بخشی از فرهنگ عمومی ایرانیان است که توسط مبانی تشیع تقویت شده است.^۱

هر ملتی از دیر باز که در گذشته در سرزمینی مشخص مسقر شده در تاریخ خود دارای مجموعه‌ای از علائق، دارایی‌ها و ویژگی‌های منحصر به خود بوده که موجب انسجام و همبستگی میان آنها و متمایز شدن از سایر ملل شده این ویژگی‌ها را مجموعاً هویت ملی می‌نامیم (ربانی، ۱۳۸۳: ۳۲).

۴-۴-۱. مولفه های هویت ملی

مولفه های هویت ملی ایرانی عبارت از: فرهنگ (آداب و رسوم، لباس، رفتار، غذا، باورها و مانند آنها)، خصوصیات اخلاقی (مثبت و منفی)، شناسنامه ایرانی، آثار باستانی، اساطیر ایرانی، ورزش های باستانی و ورزش ملی معاصر، دین، قومیت، سرود ملی، جغرافیا و مکانها، اقتصاد، هنر، زبان فارسی، ادبیات، علم و صنعت، تاریخ و تمدن، مشاهیر ایرانی، سیاست و پرچم (داوری اردکانی، ۱۳۸۴).

در بسیاری از بررسی‌ها در باب هویت ملی از سه عنصر زبان، تاریخ و دین مشترک به عنوان ارکان اساسی هویت ملی نام برده می‌شود بدون اینکه به صورت دقیق و روشن توضیح داده شود که بطور مشخص در ترکیب دین و تاریخ نه فقط عوامل و عناصر معنوی بلکه عوامل و عناصر مادی نیز وجود و حضور دارند. (رواسانی، ۱۳۸۱: ۱۷).

برخی از نگرش‌ها قلمرو جغرافیایی، تاریخ، زبان، هنر و میراث علمی و ادبی مشترک، نمادها و مذهب مشترک را از جمله عناصر ترکیبی هویت ملی می‌دانند و معتقدند: هر چند هویت دارای ماهیت ترکیبی است، در عین حال، دارای بُعد سلبی، یعنی جدا کننده، تمایز دهنده و شناساننده «خود» از «دیگری» نیز هست. این «دیگری» در قالب‌های گوناگون «غیر»، «بیگانه»، «رقیب»، «مخالف» و «دشمن» متبلور می‌شود و در مقابل هویت قرار می‌گیرد (یوسفی، ۱۳۷۹: ۳۶).

با توجه به بررسی مطالعات پیشین در باب مولفه های هویت ملی، مولفه های ذیل بیشتر مورد نظر نگارنده قرار گرفته است:

۱-۴-۴-۱. تاریخ

یکی از عمده‌ترین عناصر هویت ملی ایرانی، عنصر تاریخ ایران است. تاریخ و تمدن هر کشوری نشان دهنده هویت آن کشورها می‌باشد. اسطوره‌ها، اشخاص و مشاهیر ایرانی یکی از عناصر سازنده هویت ملی ایران هستند که کمتر به آن توجه شده است، مثلاً شعرای بزرگ پارسی، دانشمندان حاذق و علمای به نام ایرانی، ورزشکاران نام‌آور و رهبران سیاسی را شامل می‌گردد.

۱-۴-۴-۲. زبان

فردوسی در شاهنامه بیش‌ترین بهره را از زبان فارس برده و کمتر از واژه‌های عربی استفاده کرده است، زیرا اولاً او این اثر را برای تقدیم به سلطان ترک، محمود غزنوی، می‌پرداخت و باید در خور فهم وی سخن می‌گفت. ثانیاً، محمود غزنوی، با تاکید بر سلطان بودنش، می‌خواست مرزهای روشنی با خلیفه عرب زبان عباسی داشته باشد، لذا می‌کوشید تا به طریقی خود را به پیشینه فرهنگ و تمدن فارسی (ایرانی) و شاهان آن پیوند زند. ثالثاً، فردوسی از طبقه دهقانان (ملاکان) فرهیخته‌ای بود که ریشه در ایران پیش از اسلام داشتند. و پرداختن دیوانی کاملاً فارسی با کمترین استفاده از واژه‌های عربی، برای او آسان‌تر و خواستنی‌تر بود تا نگارش متنی منثور و مسجع و متصنع و پر از واژه‌ها و امثال و حکم و احادیث و آیات به زبان عربی، که در مجموع فارسی می‌نماید، ولی، اگر کسی از عربی مطلع نباشد، از آن چیز زیادی در نمی‌یابد. با این حال فردوسی خود از تاثیر شاهنامه‌اش در تقویت هویت ملی ایران یا میراث ایرانی در برابر اعراب مسلمان آگاه بود و گفت:

بسی رنج بردم در این سال سی / عجم زنده کردم بدین پارسی

و به دلیل توجه به این امر، می‌توان یکی از اهداف یا نتایج شاهنامه فردوسی را احیای ایرانیت دانست. هویت ایرانی از زبان فارسی، از گلستان و بوستان سعدی، از شاهنامه فردوسی، از دیوان حافظ و از سرودها و نغمه‌های روستایی بابا طاهر و فایز دشتستانی، حتی از نوحه‌های جوهری و مرثیه‌های محتشم کاشانی جدا نیست. کلید هویت ایرانیان از هرتیر و طایفه و تبار در زبان فارسی تعبیه است و این هنری است که تاریخ به این زبان عطا کرده و نقشی است که گذشته مشترک بسیاری از اقوام و عشیره‌ها و تبارها و نژادهای این سرزمین برعهده زبان فارسی نهاده و این میراث مشترک و یکدله ساز را به ایرانیان سپرده است (جلالی چیمه، ۱۳۸۵).

زبان، ساخت چند بعدی است. از این رو می‌توان به آن از چشم اندازه‌های مختلف نگاه کرد. یکی از این ابعاد که در برنامه ریزی زبان بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد بعد شأن یا جایگاه زبان است (داوری، ۱۳۸۴). این بعد در مقابل بعد پیکره یا ماده زبان قرار می‌گیرد و به نقش‌هایی اشاره دارد که هر زبان در جامعه زبانی خود ایفا می‌کند. از جمله نقش‌ها یا شئون ممکن هر زبان، می‌توان به شأن علمی، آموزشی، دینی، تاریخی، هویتی و مانند آن اشاره کرد. مراد از شأن هویتی زبان این است که یک زبان به عنوان نماد هویت ملی قلمداد شود. البته به طور معمول، وقتی زبانی حائز این شأن یا نقش می‌گردد که شامل مجموعه‌ای از شئون علمی، آموزشی، دینی و تاریخی باشد. متخصصان حوزه برنامه ریزی زبان، این نکته را مفروض می‌دانند که برنامه ریزی پیکره یا ماده زبان، بدون برنامه ریزی براین شأن یا جایگاه زبان، بازی و سرگرمی‌ای بیش نیست و درست به همین دلیل است که برخی از پژوهندگان این حوزه (ایجر، ۲۰۰۱ به نقل از داوری، ۱۳۸۴)، غایت و مهمترین انگیزه برنامه ریزی زبان را کسب هویت دانسته‌اند. با چنین نگرشی، می‌توان تصور کرد که زبان به عنوان ابزاری برای تثبیت هویت و در نتیجه نماد هویت یک گروه مورد استفاده قرار گیرد.

۱-۴-۴-۳. دین

یکی از عناصر هویت ملی در هر کشوری، دینی است که در آنجا عمومیت داشته و رایج است (احمدی، ۱۳۸۳: ۶۱).

تعاریف از دین آنقدر متعدد و متنوع است که حتی در اختیار نهادن فهرستی ناقص از آنها غیرممکن است. اگر تعاریف موجود از دین و نقض و ابرام هایی که درباره آنها صورت گرفته را استقراء کنیم در می یابیم که تعریف دین بسیار دشوار است. چون اولاً دین پدیده ای پیچیده و برخوردار از ابعاد متنوع است. ثانياً، مصادیق دین آنچنان متنوع و متفاوت با یکدیگر است که عملاً نمی توان دو مصداق از دین یافت که از همه جهات با هم مشترک باشند. افزون بر این، درباره خود مصداقها نیز اتفاق نظر وجود ندارد و این عدم وفاق حاکی از ابهام و اجمال مفهوم دین است. ثالثاً، مفهوم دین اساساً از مفاهیم (ما هوی) و نیست تا بتوان تعریفی حقیقی و مشتمل بر جنس و فصل از آن عرضه کرد.

علامه طباطبایی در کتاب المیزان تعریفی از دین ارائه نموده است که عبارت از آن روش مخصوصی در زندگی است که صلاح دنیا را به طوری که موافق کمال اخروی و حیات دایمی حقیقی باشد، تامین نماید. پس در شریعت باید قانون هایی وجود داشته باشد که روش زندگی را به اندازه احتیاج روشن سازد. دینداری یا تدین حالت انسان است که "دین" متعلق به آن به شمار می رود. در واقع اطلاق لفظ دینداری هنگامی صورت می گیرد که مردم یا گروهی از افراد تمام یا بخشی از تعالیم و دستورات دینی اعم از (عقاید، اخلاقیات، احکام) را پذیرفته باشند. بنابراین در مقام تعریف می توان اظهار نمود که دینداری یا تدین عبارتست از التزام فرد به دین مورد قبول خویش این التزام در مجموعه ای اعتقادات، احساسات و اعمال فردی که حول خداوند و رابطه ایمانی با او دور می زند، سامان می پذیرد.

بنابراین، دین روش مخصوصی در زندگی است که صلاح دنیا را به طوری که موافق کمال اخروی و حیات دایمی حقیقی باشد، تامین می نماید. پس دین عامل اصلی و اولیه وحدت، یگانگی، اجتماعی شدن و اجتماعی ماندن انسان است که زاده وحی می باشد؛ علاوه بر آن که آشنایی اندکی با زبان قرآن کافی است تا دریابیم که اسلام از تبیین مسایل سیاسی و اجتماعی فروگذار نکرده است و در حیطه قوانین مدنی، جزایی، بین المللی و نیز درباره عبادت ها و اخلاق فردی، بسیار سخن گفته است و برای زندگی خانوادگی، ازدواج، تربیت فرزند، تجارت و معاملات نیز حکم و دستورالعمل دارد.

گلارک و استارک با مشاهده این موضوع که مطالعات تجربی مربوط به دین به نتایج متناقض منتهی می شود و هر محقق به وسیله سلیقه خودش "دین" را تعریف می کند، با مروری بر نتایج پژوهش ها، مشارکت ویژگیهای متفاوتی برای دینداری دستچین و سپس آنها را حول پنج بعد اعتقادی، مناسکی، تجربی، پی آمدی و دانش دینی جمع کردند و مفهوم عملیاتی مجزایی از دینداری ساختند، به عقیده طالبان (۱۳۸۰) این ابعاد پنج گانه بدین شرح هستند:

بعد اعتقادی یا باورهای دینی: نوعی ادراک فردی برخاسته از معرفت دینی که به فرد درباره حقانیت اصول دینی بینشی خاص خود به آنها اعتقاد داشته باشد. بعد اعمال دینی مشتمل بر دو دسته نخست شعائر یا مناسک که عبارت است از آداب و رسوم فرمول شده یا رفتارهای نمونه های در میان معتقدان هر دین یا به طور کلی مراسمی که هر دین از پیروان خود انتظار دارد که آنها را به جا آورند. دیگر، پرستش و دعا که اعمالی فردی و خصوصی و غیررسمی هستند که فرد آن را فقط با رضایت خاطر و بدون هیچ گونه اجباری انجام دهد. بعد تجربی دین: موقعیت های برتر ایجاد شده ای که فرد در آنها خود را با نوعی شعور برتر رویارو می بیند. بعد دانش دینی: حداقلی از آگاهی فرد مومن به دین مورد قبول خویش، اعم از اصول و فروع دین، سنت ها، تاریخ و سایر امور دینی که برای واداشتن فرد به انجام عمل دینی ضروری است. بعد پی آمدی: این بعد ناظر بر رفتار روزمره و غیر دینی افراد است و بیانگر حضور و وجود اندیشه و حس خدا گرایانه در متن زندگی است که در رفتار غیر دینی فرد استحکام می یابد و به زندگی او رنگ و بوی دینی می دهد (حبیب زاده، ۱۳۸۲: ۱۱۱).

مرحوم علامه محمد تقی جعفری این تقسیم بندی پنجگانه را یکی از عالی ترین تقسیم بندیهای دانسته که در زمینه دینداری انجام شده و توجه به آن را برای محققان، ضرورت درجه اول خوانده است. (مروری بر سایر تحقیقات انجام گرفته نیز نشان می دهد که الگوی پنج گلارک و استارک، الگویی جامع است تا جایی که همه ابعاد و معرفت های دینداری را آنطور که سایر محققان در نظر گرفته اند در خود جای داده است، ما نیز در کار خود از چند بعد از الگوهای گلارک و استارک برای سنجش هویت دینی استفاده می نماییم.

هویت دینی برآمده از شخصیت دینی می باشد. یعنی جایی که مفاهیم دینی، عقاید و مبانی بر افکار، رفتار، گفتار و اعمال فرد خود را به منصفه ظهور می رساند. از این رو هویت دینی ضمیمه کننده نام یابی خاص و پیشینه کاملاً روشن در خصوص چنین افرادی بوده و به طور معمول فرض بر این است که زمینه تبعیت از قوانین و مقررات تصویب شده و صریح را در افراد ایجاد می کند و پیشینه تاریخی پر بار، افسانه ها و باورهای کهن، الگوهای مشخص آداب و سنن مذهبی و مقررات پشتوانه های سنتی این نوع از هویت می باشد.

عمده مفاهیم به کار رفته در جامعه شناسی دینی بسته به چهارچوبی است که در آن به کار می روند. دامنه این مفاهیم زمانی دچار نقصان می گردد که جست و جویها با هدف مشخص نمودن صحت و سقم این گونه مفاهیم بصورت می گیرند و یا اینکه با چه نوع الگوی اجتماعی سختی بیشتری دارد (حبیب زاده، ۱۳۸۲: ۱۱۱).

بدون هیچگونه تلاش عملی جهت توصیف هویت دینی خاص، مباحث مربوط به هویت دینی منوط به خصوصیات و عوامل مرتبط با شخصیت دینی و اجتماعی خواهد بود. این مفاهیم در بازگشت شکل هنده به مفاهیم مذهبی به وجود آمده از پیام بنیادین و کلی مذهب و پیامبران (که انسانهایی در خور احترام بودند) و روحانیون می باشند. علاوه بر این عوامل، مواردی از قبیل آموزش و پرورش، هنر، ادبیات، فرهنگ رایج عامه، ساختار سیاسی، معماران و حتی دانشمندان علوم تجربی نیز بر هویت دینی تاثیر گذارند، به همین خاطر اینگونه به نظر می رسد که هویت دینی را چنین می توان تعریف کرد، بخشی از مذهب که در افراد و جوامع مذهبی دارای ثبات بوده و از نسلی به نسل دیگر تداوم داشته است. این تعریف از هویت به وضوح جوامع مذهبی را از غیر مذهبی جدا می سازد. (همان، ص ۱۱۲)

لازم به ذکر نیست که این گونه تعاریف ساده و ظاهری برای مطرح شدن در حوزه جامعه شناسی به طور کامل و معناداری شرح داده شوند. زیرا روشن است که هویت دینی به عنوان یک پدیده اجتماعی، مفهومی نسبی است که طبق قوانین مذهبی و یا اعمال ظاهری شکل نگرفته ولی در عین حال دچار دگرگونی فراتر از زمان و مکان شده و باید از نظر شمار زیادی از الگوهای مفعول مورد بررسی قرار بگیرد، زیرا فرایندی است برگرفته از خودآگاهی و ادراک فرد. به عنوان مثال در یک جامعه مذهبی یک فرد زمانی فرد مذهبی شناخته می شود که تمامی شئون مذهبی را به طور کافی و کامل قبول کرده و به آنها عمل کند. ولی بعد از گذشت یک عصر از مدرنیته الگوهای معرفت هویت مذهبی یک فرد به جایی رسیده است که ملاک های شناخت آن منحصر به خود فرد، میزان اعتقادش به خدا، میزان حضور در کلیسا در روزهای یکشنبه، شرکت در جلسات و مراسم های مذهبی که گاه و بی گاه برگزار می شوند، شده، حتی اگر این فرد از نظر تعالیم مذهبی و اطلاعاتش از امور دینی کامل نباشد و یا اینکه در اموری که دین آن را منع کرده باشد نقش داشته و آنها را مرتکب شود.

همانگونه که قبلاً بیان شده هویت دینی نیز نوعی از هویت جمعی می باشد که در برگیرنده باورها و ارزشها و اعتقادات دینی می باشد. می توان گفت "هویت دینی این است که فرد به یک سری اصول و عقاید دینی دست یابد به طوریکه جزیی از شخصیت او گردد و نسبت به آنها شناخت حاصل شود (Encyclopedia. 1992, P. 58) و این خود نیازی است از نیازهای فطری آدمی و از نوع گرایش به عشق و پرستش است. به این معنا که فرد مستقل از هر گونه یادگیری، در درونش تمایل به عبارت و بندگی خدا را احساس می کند، تجلی چنین احساس و تمایلی، در اعمال و رفتار دینی آشکار می شود.

رابطه انسان و دین و نیز نسبتی که با آن پیدا می کند، در مقوله "هویت دینی" قابل تبیین و توضیح است. به گفته یکی از روان شناسان "از پیامدهای تکوین هویت دینی، احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزشها و باورهای آن مکتب می باشد" (شاملو، ۱۳۶۹: ۶۷). برخی از صاحب نظران، تعهد را به عنوان سنگ بنای هویت دینی تلقی می نمایند. ساموئل هانتینگتون، معتقد است. "دین برای کسانی که با پرسشهایی از این دست روبرو هستند "من کیستم؟" و "به کجا تعلق دارم؟" پاسخهای قانع کننده دارد" (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۱۵۳). پیامد دیگری که از تکوین هویت دینی، برای نسل جوان عاید می شود، جهت مند شدن زندگی است. ساموئل هانتینگتون می نویسد: "دین به زندگی نخبان نوپای جوامعی که در حال مدرن شدن هستند، جهت و معنا می دهد" و از قول رونالد دور می گوید: "ارزش نهادن به یک دین سنتی،

خواسته ای است که در برابر احترام گذاشتن به فرهنگ ملت‌های مسلط قرار می‌گیرد و غالباً به طور همزمان، طبقه حاکم که ارزشها و شیوه‌های زندگی خود را با فرهنگ آن ملت مسلط تطبیق داده‌اند، در تضاد قرار می‌گیرد" (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۱۵۹). از اثرات دیگر احراز هویت دینی برای نسل جوان، به منزله تقویت روحیه امیدواری و نشاط بر آینده‌ای بهتر است و باعث وحدت اعتقادی می‌گردد. برنارد لیویس معتقد است که در جهان اسلام "در موارد اضطرار، مسلمانان، بارها این تمایل را نشان داده‌اند که در قالب یک وحدت دینی، هویت بنیادین و ایمان خود را بازیابند، یعنی هویتی که نه با معیارهای قومی یا سرزمینی، بلکه به وسیله اسلام تعریف شده باشد" (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۱۵۳).

از دیگر نتایج تکوین هویت دینی برای نسل جوان، میتوان زمینه‌های شکل‌گیری هویت تمدنی را ذکر کرد و باعث می‌شود که جوان در جایگاهی ارزشمند و رفیع قرار گیرد و به طور کلی هویت دینی معنای جدیدی به زندگی آنان می‌دهد که این واقع نمی‌شود مگر در مراسم و مناسک مذهبی که دورکیم معتقد است: "یکی از عوامل مهم موثر بر هویت مذهبی انسانها شرکت در مناسک مذهبی است. برگزاری مناسک مذهبی تجمع مردمی را در پی دارد که دارای ارزشها و باورهای مشترکی هستند،" این تجمع تقویت روح جمعی، انسجام و اتحاد مومنین به آن مذهب را به ارمغان می‌آورد. این تجمع که با احساسات مشترک و هم‌جهت مشارکین همراه است، آن‌ها را از حوزه مادیات به حوزه معنویات منتقل می‌کند. دورکیم از جمله نادر جامعه‌شناسانی است که در اثر کلاسیکی خویش "صور بنیادین دینی" به همین دلیل یکی از کارکردهای مهم مذهب را "حرکت زایی" عنوان می‌کند و در این خصوص می‌گوید: "به همین دلیل است که همه فرقه‌های سیاسی، اقتصادی یا اعتقادی مواظب‌اند که همایش دوره‌ای داشته باشند تا اعضایشان بتوانند با به نمایش درآوردن ایمان مشترک خود در بین جمع به آن جانی تازه ببخشند" (همان). برای تقویت آن احساسات، که اگر به حال خود رها شوند به سرعت رو به ضعف می‌گذارند. کافی است آنها که چنان احساساتی دارند را گردهم آورد و در ارتباط نزدیکتر و فعالتری با یکدیگر قرار داد تا این روح جمعی و احساسات مشترک و معنویات انسجام بیشتری حاصل کنند (تیر یا کیان، ۱۳۷۳: به نقل از حبیب زاده، ۱۳۸۲: ۱۱۳)..

۴-۴-۱. فرهنگ

فرهنگ حاصل پرورش نیروهای فکری، جسمانی و روانی و مجموعه ارزش‌های مادی و معنوی است که در جامعه انسانی، در مبارزه برای سلطه بر طبیعت و تکاملش بدست می‌آید (رواسانی به نقل از میرمحمدی، ۱۳۸۳). پس یکی دیگر از مولفه‌های هویت ملی میراث فرهنگی ماست. ایران یک میراث قوی فرهنگی دارد که به صورت کتاب در زمینه تاریخ و آثار ادبی (شعر و نثر) تبلور پیدا کرده است. فرهنگ به عنوان پدیده‌ای ابرتنی یعنی غیرجسمانی و یا غیر بیولوژیکی است. شامل تمام دستاوردهای مادی و غیرمادی است. فرهنگ آموختنی است. آنچه باعث گوناگونی جوامع انسانی شده است، همانا عناصر فرهنگی مانند زبان، دین و غیره می‌باشد.

در این میراث فرهنگی، مسئله زبان مطرح می‌شود. زبان در عین حال که یکی از عناصر سازنده است، یکی از عناصر مهم فرهنگی می‌باشد. زبان رکن اساسی فرهنگ را تشکیل می‌دهد و در واقع امر فرهنگ بر زبان استوار است. تمامی اجزای فرهنگ متکی بر زبان می‌باشند. زبان به عنوان پدیده‌ای وضع شده و قراردادی بین اعضای هر قوم یا جامعه مشترک است و از این رو اقوام و جوامع را از هم جدا و متمایز می‌نماید. اینها در آثار ادبی که از ۱۲۰۰ سال پیش به این طرف می‌باشد، بازتاب پیدا می‌کند. تاریخ طبری بلافاصله به دستور سامانیان توسط بلعمی به زبان فارسی ترجمه می‌شود. در اینجا عامل زبان مطرح می‌شود (احمدی، ۱۳۸۳: ۵۷).

۵-۴-۱. سیاست

مفهوم سیاست، مانند هر مفهوم دیگر در علوم انسانی، هم از حیث قلمرو و هم از حیث موضوع، مفهوم پیچیده و مشکلی است. از طرفی هدف از تعریف یک پدیده، این است که یک علم با مباحث علم دیگر آمیخته نگردد و نیز اگر از مفهومی بحث می‌شود، معلوم گردد که از آن، چه برداشتی در نظر است تا بنا بر تعریفی که مورد اتفاق نظر است، بحث نمود و به

نتیجه رسید. بنابراین جهت شفاف شدن مفهوم سیاست، در ابتدا تعریف لغوی و سپس تعریف اصطلاحی آن را از دیدگاه دانشمندان مختصرا رایه خواهیم کرد. لغت شناسان برای واژه سیاست معانی بسیاری ذکر کرده اند که عبارتند از: «رعیت داری، پاس داشتن ملک، تدبیر، عقوبت، ریاست، داوری، تنبیه و...» نظریه پردازان تعاریف زیادی از سیاست کرده اند که آنها را به دو دسته دیدگاه اندیشمندان غربی و دیدگاه اندیشمندان اسلامی تقسیم کرده ایم.

اصولا در باب سیاست اسلامی این سوال مطرح است که آیا سیاست با دین ارتباط دارد یا خیر. در جواب این سوال، نخست باید تعریف دقیقی از دین رایه کرد تا بتوان بر مبنای آن، قلمرو و میزان دخالت دین در حوزه سیاست را مشخص نمود. (اخترشهر، ۱۳۸۶: ۲۲)

همان گونه گفته شد، سیاست یعنی در اتخاذ تدابیری جهت اداره جامعه انسانی و هدایت آن به سوی تعالی. اکنون با توجه به مفهوم دین و سیاست، به خوبی می توان دریافت که در اسلام رابطه منطقی و ماهوی است و این دو، لازم و ملزوم یکدیگرند و جدایی ناپذیر می باشند؛ زیرا اولاً، احکام و مقررات دین، تمامی شئون زندگی انسان را در برمی گیرد و از آنجایی که راهنمایی و هدایت انسان از جانب خداوند همه جانبه و فراگیر است، سعادت واقعی آدمی نیز به کار گرفتن کلیه احکام و دستورات الهی است؛ ثانیاً، از نظر رابطه، رابطه سیاست اسلامی و دین، رابطه جز و کل است؛ یعنی دین دارای احکام و دستورهای بسیاری است که بخشی از آنها مربوط به مسایل وموضوعات سیاسی است، مانند حج و نماز جمعه؛ ثالثاً، پیامبران یعنی آورندگان دین برای هدایت بشر، خود حکومت تشکیل داده و رهبری انسانی باید بهترین روش را در نظر گرفت و نیز با اتخاذ این تدابیر مبتنی بر این باشد تا روش زندگی را به انسان نشان دهد. (همان، ص ۲۳)

با این وصف می توان گفت هویت ایرانی مرتبه ای از هویت اجتماعی است که در افراد ایرانی با مولفه هایی چون: احساس رضایت از ایرانی بودن، علاقمند به زندگی کردن در میان مردم ایران، علاقه مندی به زبان فارسی و دین اسلام، فرهنگ و میراث فرهنگی ایران، اعتقاد به توانایی مردم ایران در حل مشکلات خود، می باشد (ربانی، ۱۳۸۱: ۴۶).

۶-۴-۱. جغرافیا و مکانها

یکی دیگر از عناصر مهم هویت ما جغرافیای ایران و مکانهای تاریخی ومعاصر است که به آن نیز کم توجه شده است. این پدیده جغرافیایی عامل مهمی است که ما امروز به آن مفهوم ایران زمین داده ایم... (مثلا البرز، دماوند، شهرها، میراث تاریخی، و.....).

۵-۱. شعر و ادب مشروطه

از نخستین سالهای پیدایش جنبش مشروطیت، بخشی از شعر و ادب به مقتضای جریاناتی که در اعماق جامعه آن روز ادامه داشت هماهنگ با مردمی که شور آزادیخواهی و دادخواهیشان به طور روزافزونی تشدید می شد، حال و هوایی دیگر پیدا می کرد. این شعر پرنیرو و انرژی، با داشتن زمینه تند عاطفی و جنبه خاص اجتماعی، به دور از جو هنر کاخی و اشرافی و به دور از هرگونه بی دودی و مداحی با کوشش در تصویر زندگی و شور و هیجان اجتماعی در مواردی آزادی خواهان را تا درون نگرهایشان همراهی می نمود، گویی آن غریو تحول طلبی که در عرصه اجتماع طنین انداز بود، بازتاب و یادآواز خود را در قلمرو شعر و ادب نیز پیدا کرده بود. بدین ترتیب، جویبار شعر اجتماعی با آبی نه چندان زلال به راه افتاده، می رفت تا در راه پر نشیب و فراز حیات اجتماعی، کشتزارهای تشنه کام را سیراب سازد (ملا محمدی ۱۳۷۹: ۵۳).^۱

زبان شعر مشروطه به زبان کوچه و بازار نزدیک است چه از لحاظ نحو و چه از لحاظ صرف یعنی واژگان. زبان شعر مشروطیت واژگان اروپایی را هم کم کم به خودش راه داده است.